

پرسش ۶۱۳: رؤیای خوابیدن زیر درخت

السؤال / ۶۱۳: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

وبعد.. أنا متابع في روم الأنصار من فترة بسيطة، وقرأت للإمام في الموقع وسمعت تسجيلات باسمه، وارتحت مبدئياً لما يدعو إليه، ولكن مشكلتي أنني سني لا أؤمن بالإمامة أساساً ورغم ذلك أتواجد في الروم باستمرار عسى أن يظهر لي الله الحق إن لم أكن عليه.

پرسش ۶۱۳: السلام عليكم ورحمة الله و برکاته.

و بعد... من چند وقت مختصری است که در تالار گفت و گوی انصار پیگیر هستم و در سایت مطالبی درباره‌ی امام خواندم و فایل‌های صوتی ایشان را شنیدم در واقع به آنچه وی به آن دعوت می‌کند آرامش پیدا کردم، ولی مشکلم این است که من سنی هستم و اصولاً به امامت اعتقادی ندارم ولی با این حال به‌طور مرتب در تالار حضور دارم شاید که خدا حق را برایم ظاهر گرداند، اگر که بر آن نباشم.

نصحتني أحد الإخوة بالاستخارة عندما سمع تذبذبي في أمر الدعوة، فاغتسلت وصليت وسألت الله أن يدلني على الحق ونمت وأنا أسمع تسجيل للإمام أحمد الحسن.

یکی از برادران وقتی تردید و دودلی مرا در خصوص دعوت شنید به من نصیحت کرد که استخاره کنم. من غسل کردم، نماز خواندم و از خداوند خواستم مرا بر حق دلالت کند و خوابیدم درحالی که صدای نوارهای امام احمدالحسن (ع) در گوشم بود.

وحلمت أني نائم تحت شجرة والشجرة بجانب طريق ترابي يمتد من الجهتين، وأتى رجل عجوز ذقنه تقترب من الأرض وثيابه مهلهلة وكأنه أتى من الماضي يتعكز على عكاز أطول منه جلس بجواري وهمس في أذني بلطف قائلاً: هذا ليس وقت مناسب للنوم استيقظ يا إبراهيم، فاستيقظت مفزوعاً ونظرت إليه فازداد

خوفي، فقال: لا تفزع ولا تسأل، اسمع من عجوز عمره يوازي عمر الكثيرين ولم يتحدث سوى مع القليلين وهو يتحدث معك الآن فاسمع واحفظ وافهم فلن أعيد ما سأقول.

در رؤيا دیدم که زیر درختی خوابیده‌ام و این درخت کنار یک راه خاکی که به دو طرف کشیده شده بود قرار داشت. پیرمردی که چانه‌اش نزدیک به زمین بود و لباسش بدبافت بود آمد. او که گویی از گذشته آمده بود، به عصایی که بلندتر از خودش بود تکیه زده بود. پیرمرد کنارم نشست و با مهربانی، آهسته در گوشم گفت: الآن زمان مناسبی برای خوابیدن نیست، بیدار شو، ای ابراهیم. من با وحشت از خواب بیدار شدم و به او نگاه کردم و ترسم بیشتر شد. او گفت: وحشت نکن و سؤالی نپرس، از پیری سخن بشنو که عمرش برابر با عمر بسیاری دیگر است و فقط با عده‌ی اندکی سخن گفته است، او اکنون با تو سخن می‌گوید، پس بشنو و به خاطر بسپار و بفهم زیرا من آنچه را بگویم تکرار نمی‌کنم.

اتجه شرقاً ستجد قرية صغيرة وفقيرة، أهلها بسطاء طيبون أبلغهم أن الشمس نافذة صغيرة جداً من جهنم فتحت على الأرض وعليهم الرحيل فمن رفض الرحيل معك فلا تلح عليه في ذلك، واستمر في السير أنت ومن معك باتجاه الشرق وستجدون قرية أخرى أهلها أكثر سعة وأكثر غلظة فاحذروا منهم ولا تلحوا عليهم في الرحيل معكم وواصلوا السير شرقاً أنتم ومن تبعكم من القرية الثانية إلى أن تصلوا إلى القرية الثالثة فافعلوا كما فعلتم، وكل قرية تجدونها تجدون أهلها أكثر سعة وأكثر غلظة، إلى أن تصل إلى القرية السابعة فالتفوا من حولها ولا ينظروكم أهلها، وستجدون خلف القرية شجرة مثل هذه الشجرة التي تظلنا الآن يا إبراهيم، ورقها أكثر خضرة، وشكلها أكثر نظرة، وثمرها أكثر وفرة، وظلها يمتد أمامها يظل باقي الأرض، قد نلتقي تحت تلك الشجرة عند وصولكم وقد لا نلتقي، ناموا تحت تلك الشجرة مثل نومتك هذه، وعند شروق الشمس سيروا في ظل تلك الشجرة فإن شمسكم لن تغرب حتى يأذن الله بغير ذلك، ثم مد يده وقطف ورقة من الشجرة، ومد بها إليّ ومددت يدي وأخذتها منه وكان مكتوب بها حرف واحد رأيتُه بوضوح وكان حرف النون !! فقلت: ماذا افعل بها؟ فقال: أخبرتك ألا تسأل،

وترکني وانصرف، حاولت اللحاق به لکنه اختفی، کان حلماً جمیلاً ومریحاً رغم أني لم أفهم شيء.

به سمت شرق برو، در آنجا روستای کوچک و فقیری می‌یابی که مردمش ساده و خوش طینت‌اند. به آن‌ها ابلاغ کن که خورشید روزنه‌ای بسیار کوچک از جهنم است که بر زمین باز شده و آن‌ها باید کوچ کنند. هر کس که از مهاجرت با تو سر باز زد بر او اصرار نکن. با کسانی که همراهت هستند، به طی مسیر به سمت مشرق ادامه بده. در آنجا روستای دیگری خواهید یافت که مردمانش در رفاه بیشتری هستند و خشن‌ترند. از آن‌ها دوری گزینید و آن‌ها را بر مهاجرت با خودتان اصرار نوزید. شما و کسانی که از روستای دوم همراهت شده‌اند، به حرکت به سمت مشرق ادامه دهید، تا به روستای سوم برسید. کار قبلی خود را تکرار کنید. به هر روستایی که برسید می‌بینید مردمش از رفاه بیشتری برخوردارند و خشن‌ترند. تا این‌که به روستای هفتم می‌رسید. از کنار آن عبور کنید و مردم آن روستا نباید شما را ببینند. ای ابراهیم، در پشت روستا درختی مثل همین درختی که بر ما سایه افکنده می‌یابید که برگش سرسبزتر و ظاهرش خوش‌نماتر است و میوه‌ی بیشتری دارد و سایه‌اش در جلوی آن امتداد می‌یابد و بر باقی زمین سایه می‌افکند. وقتی رسیدید، ممکن است زیر آن درخت با یکدیگر ملاقات کنیم و شاید هم با یکدیگر ملاقات نکنیم. همین‌طور که الآن خوابیده‌ای، زیر آن درخت بخوابید، و به هنگام طلوع آفتاب در سایه‌ی آن درخت به راه بیافتید چرا که خورشید شما غروب نمی‌کند تا این‌که خدا به چیزی غیر از آن اجازه دهد. وی سپس دستش را دراز کرد و برگی از درخت کند و آن را به‌سوی من گرفت. من دستم را به‌سوی او دراز کردم و برگ را از او گرفتم. بر روی آن یک حرف که من به‌وضوح آن را می‌دیدم نوشته بود و آن حرف «نون» بود! به او گفتم: با این چه کنم؟ گفت: به تو گفته بودم که سؤال نکن. او مرا رها کرد و رفت. من سعی کردم به او برسیم ولی وی پنهان شد. این خواب، زیبا و آرامش‌بخش بود، هرچند من چیزی از آن نفهمیدم.

سألت أحد الإخوة أنصار الإمام فأشار عليّ بمراسلتكم، أسأل الله إن كنتم على الحق أن يدلني عليه.

از یکی از برادران انصار امام(ع) پرسیدم و او پیشنهاد کرد که برای شما نامه بفرستم. از خداوند مسئلت دارم اگر بر حق هستید، مرا به آن راه بنمایید.

أتمنى الرد سريعاً، علماً بأنني لم أقل الحرف إلا لكم حفظكم الله.

المرسل: إبراهيم عبد الله - السعودية

امیدوارم سریعاً پاسخ بدهید. ضمناً متذکر می شوم که من این سخن را فقط برای شما نقل کرده ام. خداوند شما را حفظ فرماید!

فرستنده: ابراهیم عبدالله - عربستان سعودی

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

أسأل الله لك التوفيق وحسن العاقبة، في هذه رؤيا الشجرة التي أنت نائم تحتها إشارة إلى ما كنت تسمع قبل أن تنام، أي إنها الشجرة المباركة في القرآن وهي شجرة محمد وآل محمد(ع)، والشخص الذي رأيته متقي وولي من أولياء الله؛ لأن اللحية في الرؤيا تشير إلى الدين، وأمرك بالاستيقاظ من النوم أي أن تنصر الحق وتستيقظ من غفلة الدنيا والانشغال بها ومع أهلها، والعمل الذي وجهك له إن شاء الله توفق له بالهمة والجد بعد استيقاظك من الغفلة، والورقة التي فيها حرف نون تشير إلى قوله تعالى: (ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ * مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ) [185].

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليمًا.

از خداوند برای شما توفیق و حسن عاقبت مسئلت می‌نمایم! در این رؤیا، درختی که شما زیر آن خوابیده‌ای، اشاره است به آنچه که قبل از خواب شنیده‌ای، یعنی آن شجره‌ی مبارکه که در قرآن است که همان درخت محمد(ص) و آل محمد(ع) می‌باشد. شخصی که دیده‌ای، یک انسان باتقوا و ولی‌ای از اولیای الهی است زیرا در رؤیا محاسن، به دین اشاره دارد. این که تو را دستور داده است که از خواب بیدار شوی، یعنی حق را نصرت دهی و از غفلت دنیا و مشغول گشتن به دنیا و اهل آن بیدار شوی، و کاری که به شما سپرده است ان‌شاءالله با بلندهمتی و جدیت به انجام آن توفیق می‌یابی؛ پس از این که از خواب بیدار و هوشیار شدی! برگی که حرف نون بر آن نوشته شده بود، اشاره به این سخن خدای متعال دارد: (نون، سوگند به قلم و آنچه می‌نویسند* که تو به فضل پروردگارت، دیوانه نیستی) [186].

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - شعبان الخیر و البرکة / ۱۴۳۱ هـ.ق.



[185] - القلم: 1 - 2.

[186] - قلم: 1 و 2.